

فرماندهای که سرش را در ازای سه قران جدا کردند

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ توسط رضا خان، زندگی کلنل «محمد تقی خان پسیان» تنها رقیب نظامی رضا خان به مخاطره افتاد و عاقبت کینه رضا خان باعث شد سر فرزند وطن دوست ایران در ازای تنها سه قران جدا شود.



پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ توسط رضا خان، زندگی کلنل «محمد تقی خان پسیان» تنها رقیب نظامی رضا خان به مخاطره افتاد و عاقبت کینه رضا خان باعث شد سر فرزند وطن دوست ایران در ازای تنها سه قران جدا شود.

مجله فارس پلاس؛ سودابه رنجبر: کلنل «محمد تقی خان پسیان» فرمانده ژاندارم خراسان بود که خبر کودتای رضا خان به او رسید. کلنل در مدت کوتاهی که ژاندارم خراسان بود، توانست اوضاع نابسامان مشهد را سامانی ببخشد و خدمات برجسته ای را در این شهر داشته باشد؛ اما در همان دوران «قوام السلطنه» نیز والی خراسان بود، شخصی که کودتا به او گره خورد. قوام السلطنه در مدتی که والی خراسان بود توانست با اجاره املاک مزروعی و مستغلات آستان قدس، سرمایه هنگفتی را اندوخته کند البته با قدرت گرفتن سید ضیاء الدین طباطبایی قدرت و آزادی قوام السلطنه به خطر افتاد و به دستور سید ضیاء الدین، کلنل، قوام السلطنه را تحت الحفظ به تهران فرستاد. با اینکه قدرت، رشادت، نفوذ و محبوبیت کلنل در مشهد آنقدر بود که می توانست حاکم مشهد شود اما با دسیسه قوام السلطنه و کینه رضا خان کلنل به دست قزاق هاو اجیر شده رضا خان به شهادت رسید.

وطن پرستی را به ارث برده بود

محمد تقی خان پسیان، فرزندی از خانواده ای تاریخی و ریشه دار ایرانی و کرد تبار بود اجداد او اهل قفقاز بودند. قفقاز قبل از عهد نامه گلستان بخشی از ایران بود. اما بعد از ماجرای عهدنامه «گلستان» اجداد محمد تقی خان نتوانستند تحت سلطه روس ها زندگی کنند و در مخالفت با تجزیه ایران و اینکه نام ایرانی روی آنها بماند همه داروندار خود را گذاشته و به تبریز آمدند. این حس وطن پرستی تا آخرین لحظه زندگی محمد تقی خان که ۳۰ سال بیشتر زندگی نکرد با او بود. مردی که در مدت کوتاه زندگی توانسته بود عناوین و القاب قابل اعتنایی را کسب کند با اینکه او مرد جنگ و آموزش دیده در مدرسه نظام بود، مرد علم و اهل قلم نیز بود. شاید همین ها باعث کینه و حسادت رضا خان نسبت به او شده بود.

کلنل رقیبی برای رضا خان

محمد تقی خان هم به تاسی از اجداد خود و حس وطن پرستی که داشت با قرار گرفتن در دوران مشروطه و هنگام «جنگ جهانی اول»، هم صدا با ملیون به مبارزه علیه روس ها بلند شد و نام او همواره در کنار شجاعان تنگستان و میرزا کوچک خان جنگلی قرار گرفت. افرادی که با تجزیه ایران کاملاً مخالفت می کردند و دست از مبارزه بر نمی داشتند تا دست بیگانه از کشور کوتاه شود. در این بین آوازه شجاعت کلنل در گوشه و کنار کشور پیچید از همان موقع بود که رضا خان او را رقیب خود احساس کرد. به طور اتفاقی آنها در یک شهر کنار هم قرار گرفتند. اواخر جنگ جهانی اول بود پسیان فرماندهی گردان در همدان را برعهده داشت و رضا خان فرمانده قزاق های همدان بود. وقتی پسیان در حمله معروف «مصلی» روس ها را خلع سلاح کرد و همدان را از منطقه نفوذ نیروهای روسیه خارج کرد، به قزاق ها می گوید: «شما اگر چه در مقطعی با روس ها همکاری داشتید اما چون ایرانی هستید اسلحه تان را زمین بگذارید» رضا خان از این کار امتناع می کند و پسیان به رضا خان می گوید: «تو شرف ایرانی نداری.» و همین اتفاق کینه ای از کلنل در دل رضا خان می کارد که به محض قدرت گرفتن بساط از میان برداشتن او را فراهم می کند.

قطرات خونم ایران را ترسیم می کند

در همان جنگ های جهانی اول بود که کلنل آسیب می بیند و برای درمان به آلمان می رود. آلمان برای اونقطه عطف زندگی اش می شود تا بتواند در حوزه های هنری و علمی رشد بیشتری داشته باشد. در این مدت او چندین کتاب را ترجمه می کند و به زبان آلمانی مسلط می شود حتی از او به shy& عنوان اولین بنیان گذار سرود shy& ملی ایران نام می برند. از مهارت های ویژه او می توان به مهارت خلبانی اش اشاره کرد که عنوان اولین خلبان ایران به او اطلاق شده است. مجسمه او و هواپیمایش هم اکنون در شهر تبریز نصب شده است. به محض اینکه کلنل از آلمان به ایران بازگشت به shy& عنوان فرمانده ژاندارمری به مشهد فرستاده شد و طی چند ماه در مقابل کودتای رضا خان قد علم کرد و لقب شورشی براو نشست. در نامه هایی که به قلمش به جامانده به صراحت نوشته است «من ایران و ایرانی را نه فقط دوست داشته بلکه پرستش می کنم و مرا اگر بکشند، قطرات خونم کلمه ایران را ترسیم خواهد نمود.»

دشمن کلنل در زندان به قدرت رسید

کلنل بعد از اینکه قوام را به دولت تسلیم کرد وارد عرصه جدیدی از مبارزات داخلی کشور شد. از آنجا که سید ضیاء الدین و قوام السلطنه رابطه خوبی با هم نداشتند. با شرایط پیش آمده هر روز به دشمنی قوام و کلنل افزوده می شد و این در

حالی بود که قوام در بند بود. تا اینکه در اوایل سال ۱۳۰۰ سیدضیاء الدین با سخت‌گیری‌های مکرر فضای کشور را کاملاً امنیتی کرد و رضا خان نیز با عزل و نصب فرماندهان نظامی در کشور ترس و وحشت به وجود آورد همین دلایل کافی بود تا احمد شاه قاجار احساس ضعف کند و تاج و تخت خود را در خطر ببیند. هنوز بهار سال ۱۳۰۰ تمام نشده بود که مشاجره‌ای بین سیدضیاء الدین و احمد شاه شکل گرفت. احمد شاه سیدضیاء الدین را عزل کرد. قوام السلطنه که تنها ۵۵ روز از زندانی شدنش در زندان عشرت آباد می‌گذشت را بر سر قدرت آورد و دشمنی قوام السلطنه با کلنل از این روز شکل تازه‌ای به خود گرفت.

رضا خان کلنل را کشت

قوام السلطنه برای از بین بردن کلنل عزم خود را جزم کرده بود و البته بعد از اینکه به کلنل پیشنهاد داد و او نپذیرفت تصمیم گرفت او را از میدان به درکند؛ اما همه افرادی که قوام برای کنترل اوضاع به خراسان می‌فرستاد از پس قدرت و محبوبیت کلنل برنمی‌آمدند؛ طوریکه در یک مرحله هزار تفنگدار برای بازداشت کلنل به مشهد اعزام شدند؛ اما توسط دوستان وفادار کلنل خلع سلاح شدند. رضا خان نیروهای قزاق که تحت فرماندهی او بودند را برای سرکوب کلنل به خراسان فرستاد. و به گفته قوام السلطنه با تحریک رضا خان، یاغی بودن کلنل اعلام شد و خوانین و حاکمان را به قتل او مجاب شدند. سرانجام آن‌ها؛ طور که در کتاب سید علی آذری آمده است: «کلنل برای سرکوبی قیام به کوه‌های داوودلی قوچان می‌رود، اما در آنجا به دلیل کمی نفرات، تا آخرین گلوله خود می‌جنگد و در تاریخ ۱۲ مهر سال ۱۳۰۰، اجیر شده سرش را در ازای سه قران جدا می‌کند و او را به شهادت می‌رساند.»

گریه کن برای کلنل

فرزند وطن پرست ایران که فقط سی سال زندگی کرد و در این مدت کوتاه القابی مثل، کلنل، شاعر، مترجم، وطن پرست یا نخستین خلیان ایرانی... را از آن خود کرد. زندگی «کلنل محمد تقی خان پسیان» به قدری پر فراز و نشیب بود و شجاعت و آزادگی را به تصویر کشید که بعد از گذشت ۹۷ سال از مرگ او همچنان نامش در تصنیف و اشعار شاعران زنده مانده است.

عارف قزوینی «تصنیف کلنل» را به یاد او سروده است که بعدها این تصنیف به نام گریه کن در بین مردم شهرت گرفت (گریه کن که گر سیل خون گری، ثمر ندارد؛ عارف قزوینی این تصنیف را در سال ۱۳۰۱ در صحنه گراند هتل اجرا کرد.